

ماه فروماند از جمال محمد سرو نباشد به اعتدال محمد
قدر فلک را کمال و منزلتی نیست در نظر قدر با کمال محمد
وعده‌ی دیدار هر کسی به قیامت ليله‌ی اسرى شب وصال محمد
آدم و نوح و خليل و موسى و عيسى آمده مجموع در ظلال محمد
عرصه‌ی گیتی مجال همت او نیست روز قیامت نگر مجال محمد
وآنهمه پیرایه بسته جنت فردوس بو که قبولش کند بلال محمد
همچو زمین خواهد آسمان که بیفتد تا بدهد بوسه بر نعال محمد
شمس و قمر در زمین حشر نتابد نور نتابد مگر جمال محمد
شاید اگر آفتاب و ماه نتابند پیش دو ابروی چون هلال محمد
چشم مرا تا به خواب دید جمالش خواب نمی‌گیرد از خیال محمد
سعدی اگر عاشقی کنی و جوانی عشق محمد بس است و آل محمد

سعدی